

متن پرسش

سلام بزرگوار: شما مطمئن هستید که اولاً خود شخص شما سولات را پاسخ می‌دهد آن هم به همه سولات نه گزینشی، ثانیاً شما مطمئن هستید جواب سوالی را ارسال می‌کنید من فکر نمی‌کنم سیره اهل بیت (ع) که ان شا الله با آن عزیزان و به حق و حرمتشان با آنها محشور شوید این باشد که به سوال دیگران بی تفاوت باشن و کم محلی کنن ولو آن سوال احمقانه و بچه گانه باشد. لطفاً تجدید نظر بفرمایید والا ما هم دوست نداریم مزاحمت ایجاد کنیم. احساس ما این بود که شما پاسخگو هستید ولی اشتباه کردیم والا ما جواب شخصی از شما دریافت نکردیم تو سایت هم که نیست. باورتان نمی‌شود پسورد ایمیلمان را بدهیم شاید حرف این حقیر را بپذیرید. خدا می‌داند این چندمین بار است که سوالم را ارسال می‌کنم حداقل جوابش تو سایت قرار دهید (غیر از این پاسخی دریافت نکردم) (باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده در جواب سؤال ۱۰۶۰۴ به صورت شخصی به ایمیل تان جواب داده ام. موفق باشید) این در حالی است که ما جوابی از شما دریافت نکردیم خدا وکیلی اگر جواب نمی‌دهید حداقل بگید تا ما بی‌اهمیت شویم (سلام علیکم با عرض پوزش سوالاتی در ذهنم هست که متأسفانه فقط شک مرا تقویت کرده نگاه من به دین کاملاً متفاوت از فردی مثل شماست که گرمی و سردی سلوک را چشیده است در کتب مختلف دینی با عناوین مختلف برای هر مشکلی که سر راه انسان قرار گرفته راه حل‌های مختلفی ارائه شده، مثلاً کتاب جنود عقل و جهل، این کتاب متعالی راهگشای سلوکی هر فردی است که در آن قطعا من و شما به صحت و درستی آن بدون بحث تخصصی شکی نداریم اما همه مباحث اینطور نیست، مثلاً دعا برای رفع بیماری یا قرض یا ارتقا معنویت برای رفع انواع و اقسام مشکلات، ذکرهای مختلف و دعاهای مختلفی که در مفاتیح و کتب دیگر دیده می‌شود قضیه فرق می‌کند، متأسفانه به نظر می‌رسد برای همه عمومیت نداره حتی مواردی که ائمه قسم یاد کردن که اگر این شرایط رعایت شود مثلاً فقر از بین می‌رود یا بیمار شفا می‌گیرد (مثلاً خواندن سوره حمد) و... در حالی که اگر فرد همه دستورات را مطابق شرایطش انجام دهد هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتد از زبان عوام هم می‌شنویم که «خداوند ز حکمت ببندد دری / ز رحمت گشاید در دیگری» اما چنین چیزی هم در زندگی مشاهده نمی‌شود. پای صحبت اهل فضل که بشنید قضاوت‌های خاصی را شاهد خواهید بود، مثلاً خداوند شما را امتحان می‌کند یا شما را دوست دارد و می‌خواهد صدای شما را بشنود برای همین دعایتان را دیر مستجاب می‌کند یا دفع بلا می‌کند یا بهترش را در آخرت می‌دهد، درحالی‌که من در این دنیا موضوع برام مسئله دار شده در این دنیا زندگی می‌کنم نقد را رها کنم بچسبم به نسیه؟ اگر فرض محال چنین باشد پس دعای هیچ عالم و عارفی هم

نباید به راحتی مستجاب شود. اصلا چرا عالم و عارف هیچ نبی و امامی که برتر از همه موجودات هستند نباید دعایشان به راحتی مستجاب شود چون خداوند آنها را دوست دارد درحالی که چنین مسئله ای را در آنها نمی بینیم، از دید دیگر که نگاه کنیم نگاه ما به نگاه دیگری می افتد جناب آقای دکتر امیر مهرداد خسروی این پژوهشگر دینی می گوید که قطعا کسانی که در زندگی احساس این را دارند که خداوند صدایشان را نمی شنود عیب از خود آنهاست نه خدا. به فرمایش ایشان مال حرام در زندگی چنین مصیبت هایی را در زندگی ایجاد می کند. خوب این حرف معقول به نظر می رسد البته این آقا منکر امتحان الهی هم نیستند ما این فرد زندگی خودش را ارزیابی می کند و می فهمد به حمد و شکر الهی مال حرام نخورده، اما پاسخی هم از خدای خودش ندارد. می رسیم فقط به اشتراک کلام فضلا و جناب دکتر که چی؟ موضوع امتحان است. خوب استاد گرامی شما بفرمایید امتحان تا کی و چه وقت؟ یک قیاس اشتباه مجبورم داشته باشم برای رساندن منظورم اگر بچه محصل قرار باشد هر روز امتحان دهد پس کی نفس بکشد و کی مطالعه کند و کی براساس داده های جدیدی که کسب می کند امتحان دهد؟ فرق مباحث دینی و روانشناسی به نظرم این طور است که با مطالعه بحث روانشناسی از خدای خودت و نویسنده ادعای طلب نمی کنی اما بحث دینی اینطور نیست چون ائمه و خدای خودت را کریم می دانی و از کرامت آنها آن قدر می شنوی که طمع تو نسبت به آنها افزون می شود وقتی جواب نمی گیری نه یک بار نه دو بار بلکه چندین بار (یعنی هیچ خواسته ای به صلاح ما نیست!!! مگه می شود؟! مشکوک می شوی که آیا آنچه خوانده ای و یا آنچه شنیده ای درست است؟ از کجا معلوم؟ این همه کتاب شرح خواص سوره های قرآن، قرآن درمانی، دارو خانه معنوی، کتاب برای رفع مشکل گرفتاران با موضوعات و مباحث مختلف، انواع و اقسام دعا حتی در ساعات مختلف که در مفاتیح آمده آیا امکان دارد فقط حالت نسبی برای افراد داشته باشد؟ مثلا برای شما رخ دهد اما برای من نه؟ اگر اینطور است چرا در بعضی موارد قسم جلاله اهل بیت را می بینیم؟ یا درباره خمس لزومی نداره امام جواد (ع) ضمانت فرد را کند که اگر خمس دهد فقیر نمی شود می توانست بگوید برای بعضی. وقتی کلی این حدیث مطرح می شود یعنی عمومیت دارد اما این را هم نسبی می بینیم. در تمامی این حرفها منکر نظارت خدا بر زندگی خود نیستیم اتفاقا چون خدا را شاهد مشکلات می بینیم توقع ما عوض می شود که چرا پاسخی نمی گیریم. و اتفاقا کلید حل مشکل را در دست خدا می دانیم قضیه ما تغییر می کند حالا در بحث روانشناسی مثلا کتاب اسکاول شین که یک فرد مسیحی آن را نوشته و کشیش هم هست برای گرفتارها ادبیات خاص خودش را دارد و قوانینی را وضع کرده که اتفاقا جوابدهیش بهتر از این روایات است. مثلا برای رفع بیکاری می گوید هر روز این جمله را تکرار کن «من کاری دارم عالی با موقعیت عالی با خدمتی عالی برای پاداش عالی» یا نمونه دیگرش که برای درست شدن اوضاع و شرایط است می گوید بگویند «تنها آنچه برای خدا حقیقت دارد برای من حقیقت دارد زیرا من و پدر یکی هستیم» خوب جالب اینجاست که شما با گفتن این کلمات مشکلاتان حل می شود. نگویند هر مشکلی زمانی دارد و در واقع چون زمان آن به اتمام رسیده

مشکل حل شده و ربطی به این کلمات ندارد اگر قرار باشد آنچه که بر اساس روایات به ما رسیده قطعیت نداشته باشه خوب از کجا معلوم شاید اگر فرد این کلمات را نمی گفت مشککش حل نمی شد؟ در حالی که با اذکاری که در روایات هست مشککش حل نشده؟ بحث تلقین در کار نیست چون وقتی فردی گرفتار می شود با امید اجابت در خانه اهل بیت را می زند و نذر و نیاز می کند و با اعتقاد کامل سوی آنها می رود حالا که جواب نگرفته عجله ای هم نداشته صبر هم در حد وسع خود داشته به نتیجه نرسیده به سراغ دعا و ذکر و این جور مسائل می رود. یا اذکاری مثل صلوات و تسبیحات، از کجا معلوم ثواب آنچه که گفته شده شامل همه بشه؟ مثلاً با گفتن ذکر صلوات ترازوی اعمال سنگین می شود خوب از کجا معلوم؟ کتاب شرح معاد را می خوانیم اما از کجا معلوم این روایات برای همه صادق باشد؟ مثلاً حجت الاسلام انصاریان در یکی از سخنرانیهای خودش می گفت فرد گنهکاری با دادن تکه ای گوشت به ماده سگی آمرزیده شده و این چنین از سعه رحمت وجود خدا صحبت می کرد. خوب ما کدام را بپذیریم؟ درست است شاید چنین فرصتی به ما داده نشه که با رحم به یک سگ ما هم عاقبت بخیر بشیم ولی از کجا معلوم مباحث شما در معاد و کتب دیگر که قطعاً شرح و تفصیل آیات و روایات است درست باشد؟ شاید مباحث شما هم نسبی باشد برای عده ای اتفاق بیفتد و برای عده ای خیر!!!! یا کتب دینی دیگری که داریم از کجا معلوم برای ما صدق کند؟ چرا باید برای احتمالات این قدر به خودمون رنج و زحمت بدهیم که مثلاً شاید شامل ما بشود؟؟؟ از کجا معلوم که اتفاقات زندگی ما بر اساس شانس و تقدیرات و تصادف نباشد؟ هرچند احتیاط شرط عقل است اما ضرورتش چیه؟ که شاید بشود شاید نشود. باور کنید عقل من هیچ احتمالی را پذیرا نیست و نمی پذیرد چون یک مسیحی از ائمه ما کرامت می بیند حاجت می گیرد اما یک شیعه نه. خوب اون مسیحی برتر از شیعه است؟ خلاصه استاد عزیز مشابه این سوالات ذهن مرا آنقدر مشغول و درگیر کرده که نسبت به همه چیز مشکوک شدم. از مباحث مربوط به معاد گرفته تا دعا، تا جایی که اگر با دعا هم مشکلات جزئی ام حل بشه میگم دعا می کردم یا نه این اتفاق می افتاد و حتی باعث شده علاقه من نسبت به مباحث کمرنگ بشه چون به قول عزیزی دارم نماز شک دار می خوانم خواهش می کنم راهنماییم (بفرمایید).

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: پنج بار به صورت شخصی جواب را ارسال کردم، این بار به صورت علنی ارسال می کنم. همان طور که می فرمایید در این که خدایی، ما را و زندگی ما را زیر نظر دارد و تدبیر می کند هیچ شکی نمی توان داشت. می ماند که یا کارها را به خدا واگذار کنیم و آنچه را او خواسته است را دریچه ای کمال خود بدانیم، و یا برای خودمان یک نوع زندگی تعریف کنیم و سپس از خدا بخواهیم در این مسیر به ما کمک کند. در قسمت دوم است که بعضاً تدبیرات الهی مطابق اهدافی که ما برای خود تعریف کرده ایم نیست. بنده در این موارد راه حل را در بازخوانی آن نوع زندگی می دانم که از خدا خواسته ایم آن زندگی که خودمان در نظر گرفته ایم را برای ما شکل دهد در صورت آن باز خوانی

ربوبیت حق را بهتر احساس می‌کنیم. موفق باشید